



3

Vol. 9
Autumn 2024

Research Paper

Received:
31 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
11 August 2024
Published:
20 November 2024
P.P: 11-34

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

The Failure of Political Parties' Activities in Iran after the Islamic Revolution (1368-1392)

seyed zakarya Mahmoodi raja ^{*1} | Mohammad Abedi Ardakani ² | Seyed Yazdan Hashemi Asl ³
| Mohammad Zargazei ⁴

Abstract

The present study aims to examine and analyze the reasons for the failure of political party activities in Iran during the years 1368 to 1392, with a focus on the political culture of elites and the interaction of structure/agency. In the model of democratic governance, political parties emerged from the acceptance of public elections and are regarded as the progeny of democracy, facilitating peaceful power transitions, elite rotation, and organized political participation of citizens. Therefore, they play a significant role in the political development of states. The emphasis of governance structures and the constitution on legal political participation and competition, alongside the instability and institutionalization of party activities, presents a multidimensional challenge that can seriously disrupt the rules of political games and, consequently, political stability, national security, and the nature of governance. Thus, it is essential to critically review and examine the complex and intertwined issues surrounding why the function of political parties in the Islamic Republic of Iran faced failure from 1368 to 1392. The research findings, using a descriptive-analytical method and utilizing library-documentary resources along with Giddens' structuration theory framework, indicate that various factors contribute to the failure of party mechanisms in the Islamic Republic of Iran. The political culture of elites, however, has proven to be a more influential factor. Political elites in Iran, unaware of the party's functions and the specific social context, influenced by temporary conditions and the pursuit of political power, established party organizations. Therefore, political parties not only lost their primary functions within the socio-political structure of society but also led to a lack of institutional trust at the level of political competition.

Keywords: Partisanship, Religious Democracy, Political Elites, Political Culture, State.

1. Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz,, Iran. s.z.mahmodi@gmail.com
2. Department of Political Science, Yazd University, Yazd, Iran.
3. Department of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.
4. Department of Political Science, Yazd University, Yazd, Iran

Cite this Paper: Mahmoudi raja, S.Z & Abedi Ardakani, M & Hashemi Asl, S.Y & Zargazei, M (2024). The Failure of Political Parties' Activities in Iran after the Islamic Revolution (1368-1392). *State Studies of Contemporary Iran*, 3(9), 11–34.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کاربست الگوی ساخت‌یابی در تبیین دلایل و چرایی ناکامی فعالیت احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۹۲)

سید زکریا محمودی رجا^۱ | محمدعابدی اردکانی^{۲*} | سید یزدان هاشمی اصلی^۳ | محمد زارگری^۴

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی و تحلیل دلایل ناکامی فعالیت احزاب سیاسی در ایران (سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۸) با تکیه بر فرهنگ سیاسی نخبگان و تعامل ساختار/کارگزار نگاشته شد. در الگوی حکمرانی دموکراتیک، احزاب سیاسی با پذیرش انتخابات عمومی تولد یافتند و از آن‌ها به‌عنوان فرزندان دموکراسی، بستر ساز چرخش مسالمت‌آمیز قدرت و گردش نخبگان، مشارکت سیاسی نظام‌مند شهروندان و... یاد شده است؛ لذا در توسعه سیاسی دولت‌ها نقش مؤثر دارند. تأکید ساختار حکمرانی و قانون اساسی بر مشارکت و رقابت سیاسی قانونی و عدم تثبیت و نهادینه نشدن فعالیت حزبی، چالش چندبعدی است که می‌تواند قواعد بازی‌های سیاسی و به تبع آن ثبات سیاسی، امنیت ملی و ماهیت حکمرانی را با چالش جدی مواجه سازد؛ ازاین‌رو ضروری است این مسئله‌ی پیچیده و تودرتو مورد بازبینی و بازخوانی انتقادی قرارگیرد که چرا کارکرد احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۹۲ با ناکامی مواجه شدند؟ یافته‌های پژوهشی با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی و بهره‌گیری از چارچوب نظری ساخت‌یابی گیدنز حاکی از این بود که در ناکامی و شکست سازوکارهای حزبی در جمهوری اسلامی ایران، محورهای مختلفی نقش دارند. فرهنگ سیاسی نخبگانی اما مؤلفه‌ای مؤثرتر بوده است. نخبگان سیاسی در ایران بدون آگاهی از کارویژه‌های حزبی، بافت و ساخت خاص جامعه، متأثر از شرایط مقطعی و در دست گرفتن قدرت سیاسی، سازمان‌های حزبی تأسیس کردند؛ بنابراین احزاب سیاسی نه‌تنها کارویژه‌های اصلی خود را در ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه از دست دادند؛ بلکه به بی‌اعتمادی نهادی در سطح رقابت‌های سیاسی منتهی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحزب، مردم‌سالاری دینی، نخبگان سیاسی، فرهنگ سیاسی، دولت.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

۲. دانشیار، گروه علوم دانشگاه یزد، ایران.

۳. گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران.

۴. گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد، ایران.

استناد: محمودی رجا، سید زکریا و عابدی اردکانی، محمد و هاشمی یزدان اصل، سید یزدان و زارگری، محمد (۱۴۰۳).

کاربست الگوی ساخت‌یابی در تبیین دلایل و چرایی ناکامی فعالیت احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۶۸).

دولت پژوهی ایران معاصر، ۳(۹)، ۳۴-۱۱.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویندگان



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

شکل‌گیری و نهادینه‌شدن سازوکارهای حزبی یکی از مؤلفه‌های مهم در جامعه‌شناسی سیاسی جوامع دموکراتیک، است. درواقع افراد در قالب نظام حزبی، بر طبق مرام مشترک به مبارزه و رقابت با سایر گروه‌ها می‌پردازند؛ بنابراین مفهوم حزب دربردارنده سه عنصر اصلی تفرق، اشتراک و مبارزه است (ایوبی، ۱۳۷۹: ۳۸). ادموند برک ۱ در همین راستا به نقش انسجام‌بخش فردی و اجتماعی احزاب در جوامع دموکراتیک اشاره می‌کند و مدعی است «حزب سیاسی بدن مردان متحد است» (بون و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۷۸). جامعه‌پذیری و تربیت سیاسی شهروندان، پویا کردن ساختار نظام سیاسی، عقلانی کردن رفتارسیاسی شهروندان، توزیع قدرت سیاسی و چرخش نخبگان، بسترسازی مشارکت فعال شهروندان، قانونی کردن رقابت‌های سیاسی و ارتقای حس فعال بودن شهروندان و تحقق قانونی مطالبات و... ازجمله مهم‌ترین کارکردهایی است که احزاب می‌توانند در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار از طریق انتخابات محقق سازند (خواجeh‌سروی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵، خواجeh‌سروی و محمودی‌رجا، ۱۳۹۸: ۴۳) درواقع احزاب می‌کوشند تا برای جلب حمایت مردم به نفع نامزدهای خود موضوعات خاصی را در اولویت قرار دهند، بی‌تفاوت‌ها را برانگیزند و مسائل تازه‌ای بیابند (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۶۹).^۳ در جوامع دموکراتیک تعامل دولت و حلقه‌های میانی در قالب احزاب، جامعه‌ی مدنی و... نقشی مهم در فرآیند بازی قدرت سیاسی دارند. این تعامل بدین صورت است که در یک طرف دولت می‌بایست شرایط لازم مانند کنترل فساد، پاسخگویی و باز کردن فضای باز سیاسی برای فعالیت جامعه مدنی را فراهم آورده و در مقابل، جامعه مدنی نیز با تقویت مشارکت سیاسی در راستای مشروعیت سیاسی نظام حاکم اقدام کند جهانگیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۱ - ۱۳۲). بازخورد و محصول این ارتباط و تعامل می‌تواند در قالب ثبات سیاسی و تقویت پایه‌های نظام سیاسی و نهادینه‌سازی مشارکت سیاسی قانونمند، سازوکارهای پاسخگو، شفاف و نهادمند و... منجر شود (جهانگیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۱ - ۱۳۲).

1 Edmund Burke

2Bawn, Kathleen and assistant

3Gabriel Almond and Almond Powell

به‌رغم اینکه از همان ابتدای انقلاب تاکنون رهبران فکری و ابزاری انقلاب بر نقش و جایگاه مردم در ساحات تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و نیز پذیرش بازی قدرت سیاسی و نتایج انتخابات تأکید مؤکد داشته‌اند، اما این امر زمانی میسر و محقق می‌شود که نهادهای واسط و حلقه‌های میانی قوی در قالب سازوکارهای نظارتی حزبی وجود داشته باشد. با شکل‌گیری و نهادینه‌سازی احزاب قانونی است که مشارکت فعالانه، آگاهانه و قانون‌مدار جریان‌های سیاسی و شهروندان در رقابت‌های سیاسی رسمیت پیدا می‌کند. فقدان یا عملکرد نامطلوب نظام حزبی طی دو - سه دهه اخیر نوعی از بی‌ثباتی سیاسی، فساد سیاسی در حوزه قدرت و عدم پاسخگویی جناح‌های سیاسی و افراد منتخب در رقابت‌های انتخاباتی در سطح محلی و ملی را در پی داشت (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۲۳، جهانگیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۳). این موارد باعث گردید که سازوکارهای حکمرانی با برخی اختلالات و چالش‌های ساختاری و کارگزاری مواجه شوند.

درمجموع باید گفت که با رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی در تحلیل حوادث سیاسی - اجتماعی ایران معاصر مشاهده می‌شود که قبل و بعد از انقلاب اسلامی، گروه‌ها و احزابی به منصفه ظهور رسیده‌اند، ولی نتوانسته‌اند از دوام و پایداری مناسبی برخوردار و در انتخابات، شکل‌گیری تشکلات درون حزبی و حفظ قدرت سیاسی نقش قاطع و مؤثری داشته باشند. به نظر می‌رسد که در این ناکارآمدی علل و عوامل گوناگونی نقش داشته‌اند. به بیان ساده‌تر؛ این ناکارآمدی می‌تواند ناشی از عوامل متعدد ساختاری و کارگزاری باشد. در مقاله حاضر، تلاش می‌شود ناکارآمدی احزاب سیاسی در سه دوره جمهوری اسلامی (اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد) مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. از این‌رو، سؤالات اصلی پژوهش بدین صورت مطرح شد که بسترهای ساختاریابی ناکامی و شکست احزاب در جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پنجم تا دهم ریاست جمهوری کدام‌اند؟ در ادامه برای تکمیل سؤال اصلی، سؤالات فرعی نیز بدین شرح مطرح شد که مهم‌ترین پیامدهای ناکامی احزاب سیاسی در قدرت در دوره‌های پنجم تا دهم ریاست جمهوری چیست؟ کدام مؤلفه در شکست و ناکامی احزاب سیاسی در سپهر سیاسی - اجتماعی ایران بیشتر نقش داشته است؟ راهکار ترمیم نقاط ضعف ساختار سیاسی حزبی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند. از آنجا که این پژوهش با روش کیفی انجام شد، فرضیه بردار نیست و بیشتر از مفروضات پژوهش استفاده می‌شود. در این راستا باید گفت که

با مبنا قراردادن ساختاریابی، عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موجود در سپهر جامعه، نتوانست بستر را برای شکوفایی ظرفیت تحزب در فضای حکمرانی کشور طی دوره‌های هاشمی رفسنجانی تا احمدی‌نژاد میسر کند. در این راستا اما ماهیت احزاب شخصیت‌محور که برنامه‌ها و گفتمان‌های یک جریان حول و حوش یک شخص یا فرد سیاسی - اجتماعی متنفذ می‌چرخد، نقش و اولویت اصلی را برعهده داشت. تقابل یا عدم فهم درست نخبگان ابزاری و فکری از فضای سیاسی - اجتماعی و نهاده‌ها کردن سازوکارهای حزبی متناسب با بافت و ساخت جامعه، سبب ناکارآمدی فعالیت‌های حزبی در ساختار حکمرانی شده است. این امر باعث شد که احزاب، کارکرد و ماهیت اصلی خود را در ساختار حکمرانی و بدنه اجتماعی جامعه از دست دهد.

مبانی نظری پژوهش: ساخت یابی آنتونی گیدنز^۱

ساختار/کارگزار^۲ به عنوان یک روش مطالعه مطرح نیست؛ اما چارچوب مناسبی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی از جمله شکل‌گیری، استمرار و تقویت جریان‌های سیاسی است. برای فهم بهتر و پیاده کردن اجزای مختلف این رویکرد نظری در تحلیل مسائل پیچیده و تودرتوی علم سیاست از جمله احزاب سیاسی، نیازمند است مؤلفه‌های کلیدی این رویکرد تعریف عملیاتی و نظری شوند. در تجزیه و تحلیل مسائل مختلف علوم اجتماعی، تقابل و یا تعامل ساختار و کارگزار یا تقدم و تأخر هر کدام، سبب شکل‌گیری رویکردها و پارادایم‌های^۳ مختلف در علوم اجتماعی شده است (محمودی رجا، ۱۴۰۰: ۱۲۳ - ۱۲۵). به عقیده کارلسینس^۴ اختلاف نظرها در موضوعات و مسائل سیاسی - اجتماعی به تفاوت سلیقه در دیدگاه‌های اندیشمندان علوم اجتماعی در حوزه ساختار و کارگزار برمی‌گردد (حاج یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). در همین راستا سه نگرش و رویکرد کلی برای تبیین و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی مطرح شد. نخست ساختارگرایان که شرایط اجتماعی، زمینه‌ها و ساخت (اجتماع، طبقات، دولت و...) را تعیین‌کننده مسائل می‌دانند (محمودی رجا و خواجه‌سروی، ۱۳۹۸: ۴۴). دوم اراده‌گرایان هستند که دیدگاه‌ها، اعتقادات، آگاهی و شناخت هویت فردی - اجتماعی را تعیین‌کننده مسائل اجتماعی می‌دانند. نهایتاً رویکرد سوم، ساخت یابی یا

1 Anthony Giddens

2 structure/agent

3 Paradigm

4 Carlsins

همان تعامل دیالکتیک^۱ ساختار و کارگزار هستند که تعامل و تفاهم ساختار و کارگزار را در تبیین و تحلیل جامع تغییرات و مسائل سیاسی - اجتماعی مهم تلقی کرده‌اند (محمودی رجا و خواجه سروی، ۱۳۹۸: ۴۴). دیدگاه دیالکتیکی ساختار/کارگزار خود در دو قالب نظریه ساخت-یابی گیدنز با تقدم عاملیت کارگزار بر ساختار و واقع گرایی انتقادی بسکار^۲ و جسوپ^۳ با تقدم عاملیت ساختار بر کارگزار تقسیم می‌شوند (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۴۹). برای تحلیل و تشریح مطالب مافوق به رسم یک نمودار در این زمینه می‌پردازیم:



شکل (۱) ساختاریابی در تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی (نگارندگان)

بر طبق نظریه ساخت‌یابی، در شکل‌گیری و استمرار موضوعات مختلف در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران از جمله احزاب سیاسی، کارگزار نقش مثبت و منفی داشته است. فهم درست و نگرش تعاملی ساختار و کارگزار می‌توانست علاوه بر نهادینگی این امر در حکمرانی، سبب پویایی فعالیت احزاب در روند قدرت سیاسی و سازوکارهای حکمرانی مطلوب گردد؛ اما عدم فهم درست نخبگان ابزاری و فکری از فضای سیاسی - اجتماعی و نهادینه کردن سازوکارهای حزبی متناسب با بافت و ساخت جامعه، سبب ناکارآمدی فعالیت‌های حزبی در ساختار حکمرانی شده است. در بسیاری از مواقع حزب یا جریانی حول و حوش تفکرات فلان شخص صورت

1dialectic

2Roy Baskar

3Bob Jessup

می‌گیرد؛ اما پس از مدتی با کم شدن اعتبار آن شخصیت، ساختار حزبی ایجادشده متأثر از تفکرات همان فرد نیز به شکلی عجیب از روند اثرگذاری خارج و به یک جریان خاکستری و منفعل تبدیل می‌شود. این موارد در دهه‌های دوم، سوم و چهارم انقلاب اسلامی ایجاد شد و تاکنون استمرار یافته است.

مفهوم‌شناسی پژوهش: شکل‌گیری ساختار حزب

انسان موجودی مدنی الطبع است. زندگی ساده انسان از ابتدا به وی آموخت برای غلبه بر مشکلات پیچیده زندگی مدرن باید در قالب اجتماعات انسانی، زندگی اجتماعی خود را سامان دهد. درمجموع هر جامعه‌ای که صاحب هیئت سیاسی شد به تبع آن مدنیت و منافع جمعی هم پیدا کرد. این امر امکان روآوردن به تشکلات حزبی را فراهم کرد (ایوبی، ۱۳۷۹: ۳۴). احزاب از طریق مبارزه مسالمت‌آمیز، عاملی در جهت حل مشکلات سیاسی در داخل مرزهای یک کشور محسوب می‌شوند و چشم‌انداز سیاسی یک جامعه را به دلیل تلاش برای به‌دست آوردن قدرت رقم می‌زنند (هافمایستر و گرابو، ۲۰۰۱: ۹-۱۸). احزاب سیاسی با نخبگان سیاسی ارتباط تنگاتنگ دارند، درواقع یکی از مجاری دستیابی نخبگان سیاسی به اهدافشان، حزب سیاسی است. به عقیده اسپینگلر^۲ ظهور پدیده احزاب سیاسی از مظاهر شهرنشینی است. همین که سیاست حزبی در قالب پول، هوش و صلاحیت نمود پیدا کرد، جایگزینی مناسب برای سیاست دودمانی مبتنی بر احساسات شد. به‌طور کلی علل گوناگونی چون (۱) گسترش دموکراسی و حق رأی عمومی؛ (۲) افزایش اختیارات مجالس قانون‌گذاری؛ (۳) عدم توانایی مشارکت همه مردم در رأس امور سیاسی، اقتصادی و در نتیجه ضرورت داشتن نمایندگان جهت پیشبرد امور عمومی و... زمینه را برای تشکیلات حزبی مهیا کردند (یوسفیه، ۱۳۵۱: ۴۶-۴۳). سیستم حزبی امروزه تعیین‌کننده نوع نظام سیاسی یک جامعه است. بر اساس فعالیت تشکیلات سیاسی، یک نظامی به‌عنوان نظام توتالیت^۳ یا دموکراتیک^۴ قلمداد می‌شود. براین اساس، احزاب بن‌مایه ساختار سیاسی نظام‌های سیاسی را شکل می‌دهند (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸: ۸).

1Hoffmeister and Grabo

2Oswald Spengler

3totalitarian

4Democratic

جوامع در حال گذار و ساختار حزبی

یکی از مسائل پیچیده و تودرتو در کشورهای در حال توسعه، ایجاد و استمرار سازوکارهای حزبی برای حمایت از ارزش‌ها و آرمان‌های ملی، پیشبرد هدف‌های نوسازی و حفظ انسجام و همگرایی در بین گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است (مرتضویان و پریزاد، ۱۳۹۵: ۱۳۹ - ۱۴۱). این امر علاوه بر اینکه سبب مشارکت نهادمندانه و فعالان شهروندان در امور سیاسی - اجتماعی می‌شود، می‌تواند بستر را برای مشروعیت ساختار حاکم فراهم کند. در همین راستاست که رابرت دال^۱، بسترسازی حکمرانی تکثرگرا را به عنوان پیش زمینه ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی پیشرفته معرفی می‌کند و مدعی است: «با پیچیده شدن جوامع و شکل‌گیری ساختار متکثر سیاسی - اجتماعی، رهبران سیاسی چاره‌ای جز آن ندارند که برای تداوم حکمرانی خود تغییراتی را در توزیع قدرت و در نهایت قبول تکثر در نظام سیاسی ایجاد کنند؛ در واقع پلارشی^۲ مرحله نهایی توسعه سیاسی است (دال، ۱۹۷۱: ۲۰۱ - ۲۰۳، مرتضویان و پریزاد، ۱۳۹۵: ۱۴۱ - ۱۴۲). یا ساموئل هانتینگتون^۳ در اثر معروف خود "سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی" مدعی است «به سبب فراهم نبودن ساختارهای سیاسی استوار و نهادمند، تعارض‌ها میان گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه به شدت بالا می‌گیرد؛ در این وضعیت بستر برای تزلزل، آشوب‌های سیاسی - اجتماعی، بی‌ثباتی و حتی فروپاشی کلیت ساختار حاکم فراهم می‌شود» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۷۵). لاپالمبارا و واینر در ادامه به کارکرد اصلی احزاب در جوامع متکثر فرهنگی و اجتماعی در قالب ارتقای ملت‌سازی و همبستگی عمومی اشاره می‌کنند (لاپالمبارا و واینر، ۱۹۶۶: ۶ - ۷، غریاق زندی، ۱۳۸۲: ۱۶۸ - ۱۶۹). در واقع با نهادمندی ساختار حزب در حوزه سیاسی و اجتماعی، می‌تواند با حذف نهادها و ساختارهای دست‌وپاگیر از بحران‌های فرسایشی و روبه‌افزایش (مشروعیت، همگرایی، مشارکت، هویت ملی، تخصیص و توزیع منابع) در بدنه حکمرانی جلوگیری کرد (مرتضویان و پریزاد، ۱۳۹۵: ۱۴۱ - ۱۴۳، نوذری، ۱۳۸۱: ۶۳). در مجموع سازوکارهای حزبی با نهادینه‌سازی رقابت سیاسی سالم و مسالمت‌آمیز، مقابله با زمینه‌های فساد، چرخش قدرت و گردش نخبگان، جامعه‌پذیری بازی قدرت، توجه به افکار عمومی و قبول نتایج

1Robert Dahl

2Polyarchy

3Samuel Huntington

سیاسی و... در بلندمدت می تواند سبب تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی (دولت با ملت، دولت با شهروندان و شهروندان با شهروندان) گردد (جهانگیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۳، محمودی رجا و اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۹۹ - ۱۰۱).

باتوجه به مقدمات مذکور در ایران نیز تلاش هایی برای شکل گیری ساختار حزبی صورت گرفت. با نگاهی تبارشناسی می توان از پنج دوره احزاب در بافت و ساخت سیاسی ایران صحبت کرد: الف) از نهضت مشروطه تا به سلطنت رسیدن رضاخان (۱۳۰۴ - ۱۲۸۵)، ب) پس از سلطنت رضاخان تا کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ - ۱۳۰۴)، ج) از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (عاصف، ۱۳۸۷: ۱۲۳)، د) دوره چهارم تحزب از سال (۱۳۶۰ - ۱۳۵۷) (هرسیج، به نقل از مسعودنیا و نجفی، ۱۳۸۰: ۱۶)، ه) دوره پنجم از خرداد ۱۳۷۶ تا کنون (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

پیشینه پژوهش

مجموعه نویسندگان و آثار منتخب با بررسی تاریخ تحولات معاصر ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی به تجزیه و تحلیل این مسئله پرداخته اند. محمدرضا علم در کتاب «سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب» به بررسی و تحلیل عدم تداوم احزاب سیاسی در بستر فرهنگ سیاسی پرداخته است و معتقد است به رغم اینکه در انقلاب مشروطیت تلاش بر این شد با بهره گیری از ساختار پارلمانی انگلستان، تحولاتی خوب در ایران شکل گیرد، اما ضعف فرهنگ سیاسی در ایران هم منجر به ناکامی این تفکر شد و هم به زوال توسعه سیاسی در ایران منتهی شد (۱۳۸۷: ۱۷۸ - ۱۹۴). خلیل الله سردارنیا در مقاله «تحلیل جامعه شناسختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز» به بررسی زمینه های جامعه عدم نهادینه شدن احزاب از انقلاب مشروطیت تا کنون پرداخته است و معتقد است طی سالیان اخیر رقابت سیاسی و حزبی ناسالم و غیر نهادمند قدرت بنیاد، نوعی بی اعتمادی در بدنه جامعه ایجاد کرد که بر ناکامی احزاب مؤثر بود (۱۳۹۳: ۵۰ - ۵۶). دو سال بعد محمود اصغری در کتاب «احزاب سیاسی ایران: کامیابی ها و ناکامی ها» به بررسی و تحلیل جایگاه احزاب در جامعه ایران، در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرداخت و به این نتیجه رسید که بر اثر باز شدن فضای باز سیاسی، احزابی به صورت قارچ گونه رشد کردند؛

ولی چون زمینه و بستر واقعی فراهم نشد سرانجام یکی پس از دیگری فروپاشیدند. (۱۳۹۵: ۱۸۵ - ۱۹۵). یک سال بعد بهرام اخوان کاظمی در کتاب «کتاب علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران» ماهیت مطلق قدرت، ساختار قبیله‌ای - عشیره‌ای، تضعیف انسجام مرکز را در قبل از انقلاب و نیز مواردی چون نفوذ بیگانگان به پیکره سیاسی جامعه از طریق احزاب، تأثیرات ناشی از مقتضیات دوران جنگ تحمیلی، بدبینی عمومی نسبت به جایگاه احزاب و... در عدم نهادینه شدن احزاب در ایران نقش داشتند (۱۳۹۶: ۳۱۴ - ۳۲۰). چهار سال بعد احمد جمشیدوند و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی نهادگرایی موانع ساختاری شکل‌گیری احزاب در ایران و آمریکا» به بررسی تطبیقی موانع ساختاری شکل‌گیری احزاب در ایران و آمریکا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که «شورای انتخاباتی»، «انتخابات اولیه» و «ساختار روان‌شناختی» در آمریکا و «ساختار مطلقه قدرت»، «ناهماهنگی میان توسعه سیاسی و اقتصادی»، «فرمایشی بودن احزاب»، «ضعف جامعه مدنی» و «گروه‌های ذی‌نفوذ» در ایران نقش مهمی در عدم شکل‌گیری احزاب مؤثر دارند. یک سال بعد محمد آرین منش و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «پیشران‌های توسعه حزب در جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین پیشران‌ها، تقویت ساختار دموکراتیک قدرت و آزادی‌های سیاسی، تقویت گفتمان حزب، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه نهادهای جامعه مدنی، استقلال احزاب، توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی، تسهیل گردش نخبگان سیاسی، قانونمندی و شفافیت ساختار احزاب و نظارت بر آنهاست. یک سال بعد اکبری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «کاستی‌های تقنینی فعالیت احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران»، قوانین مرتبط با فعالیت حزبی را مهم‌ترین مؤلفه فعال نبودن احزاب در انتخابات کشور معرفی می‌کنند. در همین سال زاهد غفاری هشتچین و علی کاکا دزفولی (۱۴۰۲). در مقاله «شخصیت‌محوری در احزاب سیاسی ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی» به این نتیجه رسیده است که فرهنگ سیاسی شخصیت‌محوری، باعث گردیده است که قواعد و الزامات ساختاری حزبی در جامعه نهادینه نشود؛ لذا احزاب هم به وجود نیامدند.

درمورد وجه ممیزه پژوهش باید گفت که این پژوهش می‌کوشد ضمن مبنا قرار دادن مبانی تئوریک تحقیقات قبلی، مسئله ناکامی ساختار سیاسی حزبی در جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ - ۹۲ را با روش چندبعدی (منابع اسنادی، کتابخانه‌ای، اینترنتی، ژورنال‌ها و

مجلات) مورد بررسی و تحلیل آسیب‌شناسانه قرار دهد و به کاربردی‌سازی کارویژه‌های احزاب در ساختار حکمرانی نائل شود. مسئله، بازده زمانی، مدل مفهومی و روش تحلیل این پژوهش در هیچ‌کدام از آثار مذکور مورد ارزیابی و بررسی قرار نگرفته بود.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی، به جمع‌آوری داده‌ها و منابع کتابخانه‌ای - اسنادی پرداخت. سپس با رهیافت تحلیلی - تفسیری و بهره‌گیری از رویکرد نظری ساخت‌یابی گیدنز (تعامل دیالکتیک ساختار / کارگزار) به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخت. در انتها با ارائه یافته‌ها و نتیجه‌گیری راهبرد و راهکارهایی جهت اتخاذ تصمیمات مطلوب ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت مردمی تلاش کرد ضمن درس عبرت گرفتن از حوادث تاریخی گذشته، مسیری تازه در حوزه مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی - اجتماعی از جمله احزاب و تشکیلات سیاسی ارائه دهد. تحقق اهداف مشارکت مردمی، توجه به بافت و ساخت بومی کشور، نهادینه‌سازی رفتار سیاسی مسالمت‌آمیز قدرت، بسترسازی حضور و فعالیت احزاب و گروه‌های مختلف در چارچوب قانون اساسی کشور از جمله مواردی بود که از همان زمان ابتدای انقلاب تاکنون مورد نظر امامین انقلاب قرار داشت (محمودی رجا، ۱۴۰۰: ۱۳۸). رفته‌رفته در اثر برخی تغییر و تحولات کمی و کیفی در سطح جامعه، بر حوزه‌های مختلف از جمله فعالیت‌های حزبی نیز مؤثر شد. این مسئله را می‌توان در روی کار آمدن دولت‌های مختلف با گفتمان‌های گوناگون و بعضاً متعارض طی سال‌های ۶۸ تا ۹۲ در نظر گرفت که روند و تحول خاصی در حوزه جریان‌های سیاسی ایران ایجاد کرد. پس از توضیح مقدماتی به مسئله مهم در شکل‌گیری و تثبیت سازوکارهای حزبی در جوامع مختلف از جمله ایران از طریق فرهنگ سیاسی در سطح نخبگان اشاره می‌شود.

فرهنگ سیاسی نخبگانی

یکی از مواردی که در همه جوامع نقشی مهم در تحولات سیاسی - اجتماعی آن‌ها از جمله مشارکت سیاسی و سازوکارهای توزیع و تکثیر قدرت نقش دارد، فرهنگ سیاسی و زیر محوره‌های آن و نسبت و تعامل فرهنگ سیاسی حاکم و نخبگان مؤثر در آن جامعه است. درواقع فرهنگ سیاسی (که به زندگی سیاسی نظر دارد و در ارتباط با مسائلی همچون حکومت کردن است) در هر جامعه‌ای یک وجه بسیار مهم از نظام سیاسی است. این فرهنگ بر شیوه عمل مردم و نخبگان سیاسی تأثیر می‌گذارد (علم، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴، کشاورز، ۱۳۸۸: ۱۷۴ - ۱۷۲).

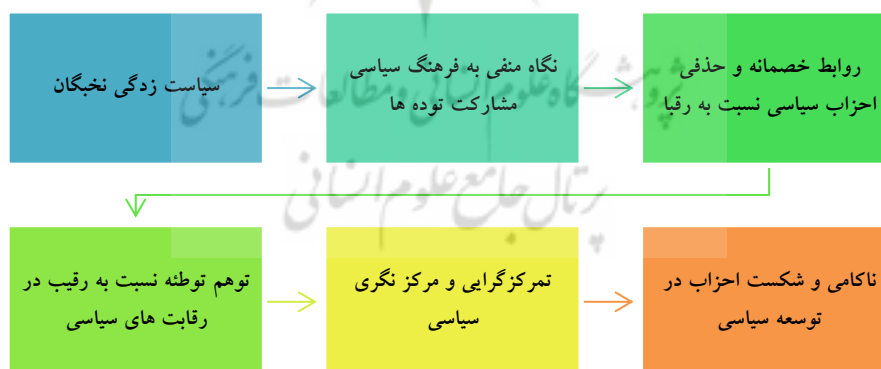
نخبگان در الگوی تحلیل جامعه‌شناسی سیاسی و تبیین وضعیت موجود از ادبیات خاص و غنی برخوردارند. «صلاحیت‌دارترین و شایسته‌ترین افراد یک گروه به‌عنوان نخبگان آن گروه معرفی می‌شوند. پس به افرادی اطلاق می‌شود که بالاترین امتیاز و نمره را به نسبت دیگران دارا می‌باشند» (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۳۲)^۱. درواقع نخبگان فکری (صاحبان ایده و طراحان اندیشه که روش‌های بهینه - ای برای دوراندیشی و آینده‌نگری ارائه می‌کنند) و نخبگان ابزاری (صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی که یا در قدرت هستند یا مترصد فرصتی هستند که به قدرت برسند). این‌ها در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به‌وسیله تصمیماتی که می‌گیرند، احساسات و هیجاناتی را که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی یک جامعه مؤثر واقع می‌شوند (سالار، ۱۳۸۳: ۲۰، روشه، ۱۳۶۶: ۱۳۵)^۲. در نتیجه با توجه به تعیین‌کنندگی فرهنگ سیاسی در فعالیت‌ها و کارایی نخبگان و احزاب، می‌توان برخی ویژگی‌های فرهنگی سیاسی نخبگان سیاسی در ایران که باعث ناکارایی احزاب می‌گردد را مورد بررسی قرارداد:

اصولاً معنای مبارزه در فعالیت‌های حزبی بر رقابت استوار است؛ چنان‌که احزاب و نخبگان با رقابت به دنبال کسب قدرت هستند، اما طی سه چهار دهه اخیر در ساختار سیاسی - اجتماعی کشور، مبارزه در فعالیت‌های سیاسی بر اصل ستیزش و دشمنی استوار بود که خود را در تقابل‌های گفتمانی نشان داده است. این مسئله در عین حالی که می‌تواند از منظری مثبت و باعث ترویج و مشارکت تنوع فکری و سیاسی در سطح جامعه داشته باشد؛ اما در نهایت منجر به نهادینه‌سازی

1Coser

2Guy Rocher

فرهنگ سیاسی منفی، تضعیف سرمایه اجتماعی و به تبع آن بدبینی و بی‌اعتمادی نخبگان به یکدیگر در جریان کسب قدرت سیاسی شده است (محمودی رجا، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۷).
با در نظر گرفتن تحولات تاریخی در ایران معاصر و حتی بعد از انقلاب، نخبگان سیاسی و افراد صاحب نفوذ در حوزه‌های مختلف، نه تنها کمکی به نهادهای سازی رویه‌ها مسالمت آمیز کسب و انتقال قدرت نداشته‌اند؛ بلکه با دوقطبی کردن جامعه و بهره‌گیری سیاسی از آن‌ها، دنبال کسب قدرت سیاسی، حفظ و ارتقای آن به قیمت هر چیز ممکن بودند. در برخی مواقع همگان دیدند که در این نخبگان در رقابت‌های سیاسی، مهم‌ترین پیش شرط رقابت‌های سیاسی یعنی احترام به رقیب و قوانین حاکم نادیده گرفته شد. برخی از افراد و شخصیت‌های سیاسی با عملیات روانی و حربه‌های سیاسی، درک و تحمل رقیب و منتقدان خود را نداشته‌اند و دنبال این بودند که با انواع تهمت‌ها رقیب را از گردونه رقابت‌ها خارج کنند. عدم اعلام مواضع شفاف در قبال برخی مسائل تنش آمیز داخلی و خارجی، سوءاستفاده از برخی شکاف (سیاسی، جنسیتی، قومی، مذهبی، نسلی و...) از سوی برخی افراد و جریان‌ها باعث گردیده است که این جریان‌ها نتوانند مواضع خود را به صورت شفاف اعلام نمایند و مقوله پاسخگویی در قبال عملکرد حزب و جریان سیاسی مورد نظر خود کماکان به عنوان یک مسئله چالش برانگیز باقی بماند (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۲۳۴، محمودی-رجا، ۱۴۰۰: ۱۳۲). در مجموع مؤلفه‌های مؤثر در عدم نهادینه شدن سازوکارهای حزبی در رقابت‌های سیاسی طی سال‌های (۶۸ تا ۹۲) در شکل زیر آورده شده است:



شکل (۲) بسترهای عدم نهادینگی ساختار حزب در جمهوری اسلامی ایران (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹، ناظری، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

در رابطه با مؤلفه‌های مذکور باید گفت که سیاست‌زدگی نخبگان عامل مهمی است که در بسترسازی ناکامی احزاب سیاسی نقش داشته است؛ بدین صورت که کارکرد احزاب در ایران تنها در زمان تبلیغات انتخاباتی جلوه برجسته‌ای می‌یابد و پس از اتمام انتخابات عملاً احزاب دیگر کارایی لازم را نخواهند داشت چنانچه عده‌ای جهت سهم‌شدن در قدرت سیاسی گرد هم می‌آیند و از طریق دادن شعارها و وعده‌و وعیدهای انتخاباتی درصدد جلب آرای عموم برمی‌آیند و پس از به‌قدرت رسیدن حزب موردنظر، این احساس در نخبگان ایرانی ایجاد می‌شود که قدرت می‌تواند مهم‌ترین ابزار در جهت پیشبرد اهدافشان و از طرفی منافع شخصی‌شان باشد. بی‌اعتنائی به فرهنگ مشارکتی و نگاه منفی به مشارکت توده‌گرایی از سوی نخبگان نیز عاملی کلیدی است (ناظری، ۱۳۸۸: ۱۲۶). در غرب مشارکت شهروندان به‌صورت فعال به‌عنوان مشارکت جمعی و حرکتی در راستای توسعه تلقی می‌شود. درحالی‌که در ایران نخبگان می‌پندارند که فهم سیاسی مردم در حدی نیست که بتوانند در امور دخالت کنند؛ بنابراین مشارکت دادن آنان در تعیین سرنوشت سیاسی خویش اقدامی بیهوده است (ازغندی، به نقل از ناظری، ۱۳۷۷: ۱۱۹). در ادامه باید به مسئله‌ی جدی شکل‌گیری روابط خصمانه و حذفی احزاب سیاسی با رقبای انتخاباتی خود پس از دست‌یابی به قدرت اشاره کرد. این امر در تمامی جوامع جهان سوم به چشم می‌خورد. چنین وضعیتی موجب به‌هدر رفتن منابع و بی‌توجهی به حل معضلات اصلی جامعه می‌شود (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). مشکل دیگر توهم توطئه است. نخبگان ما طی صدسال اخیر با یک دشمن فرضی زندگی می‌کرده‌اند. البته این مقوله، ریشه‌ای تاریخی دارد. نخبگان سیاسی ما هرگونه جابه‌جایی قدرت و سیاسی‌کاری را عاملی جهت براندازی خودشان تلقی می‌کنند. «منظر توطئه‌نگرانه همواره درصدد کشف توطئه‌های داخلی و خارجی و تعمیم دادن اصل توطئه به هر نوع تراحم، اختلاف و نارسائی در عرصه روابط انسانی و اجتماعی یا روابط خارجی است» (اشرف، ۱۳۷۴: ۴۸-۴۷). در این چارچوب پذیرش قواعد بازی سیاسی در قالب پیروزی و موفقیت رقیب به‌عنوان یک اصل و پیش‌نیاز رقابت سیاسی در جریان‌های مختلف هنوز نهادینه و مقبول واقع نشده است. (عظیمی، ۱۳۷۲: ۴۰). عامل دیگر، قرار گرفتن تشکیلات حزبی در مرکز است. این عامل مستقیماً به نخبگان مربوط می‌شود. در مطالب پیشین اشاره شد که یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب سیاسی، آموزش سیاسی یا به تعبیری سیاسی کردن مردم و دادن نوعی آگاهی جهت بهره‌-

مندی و آشنایی از حقوق مدنی شان است. چه اینکه در ایران احزاب نتوانستند در اقصی نقاط کشور شعبه‌هایی را دایر سازند که از یک طرف بتوانند با عضوگیری و گرفتن حق عضویت از اعضایشان منابع مالی خود را تأمین کنند؛ از طرفی در جهت رسالت مهمشان که همان آموزش سیاسی توده‌هاست حرکت کنند. اگر این شعبه‌ها شکل می‌گرفت و احزاب اخلاق و فضیلت سیاسی خود را بر شهروندان جامعه عرضه می‌داشتند، می‌توانستند از طریق بسط مرامنامه خود در بین اعضای جامعه ریشه‌های اجتماعی‌شان را در سراسر کشور بدوانند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۴۰). مجموعه دلایل مذکور باعث گردید که احزاب نتوانند در بطن و بافت جامعه نهادینه شوند و با کارکرد و کارویژه‌های اصلی خود در جامعه‌شناسی سیاسی نائل شوند. با توجه به موارد مفهومی و نظری ارائه شده به اپلای^۱ کردن آن در تاریخ و تحولات مابعد از انقلاب اسلامی طی سال‌های ۶۸ تا ۱۳۹۲ پرداخته می‌شود.

دوره سازندگی و گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

مجموعه تغییر و تحولات کمی و کیفی رخ داده در ایران از جمله (رحلت امام خمینی ره، پایان جنگ تحمیلی، خسارات اقتصادی - عمرانی و اجتماعی ناشی از جنگ و...) این دوره از تحولات سیاسی - اجتماعی ایران را با تغییرات بنیادین مواجه کرد. در این دوران شاهد برگزاری انتخابات پنجم و ششم ریاست جمهوری هستیم که علی اکبر هاشمی رفسنجانی در رقابت با سایر نامزدها توانست قدرت سیاسی را کسب کنند و دوران جدیدی در عرصه سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران آغاز شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲، محمودی رجا، ۱۴۰۰: ۱۴۰ - ۱۴۲). این دوران که شاهد گفتمان توسعه‌خواهی اقتصادی در جریان‌های سیاسی هستیم، در اذهان و افکار عمومی جامعه به عنوان دوران سازندگی مطرح شد.

این دوران متأثر از شرایط کمی و کیفی داخلی و تحولات منطقه‌ای و جهانی، گفتمان و سیاست‌های جدیدی در قالب (سیاست خارجی عدم تعهد، توسعه گرا و برون گرا، بازسازی اقتصادی و توسعه ملی، تنش زدایی و...) مبنا قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۰۳ - ۳۸۷). به طور کلی دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که در راستای سیاست تعدیل اقتصادی در حال پیوند با اقتصاد جهانی بود و از طرفی در پرتو الگوی توسعه صادرات، سیاست خارجی

1 Apply

توسعه گرا و برون گرا قرار داشت، می تواند گویای اندیشه توسعه گرای هاشمی از طریق بازسازی حوزه های اقتصادی باشد.

در مورد نسبت این تحولات در ناکارآمدی احزاب سیاسی باید گفت که دولت وقت برخلاف شرایط حاکم بر ایران دوران دهه اول انقلابی و شرایط فرهنگی - اجتماعی مابعد از دوران جنگ، توسعه اقتصادی صرف را به عنوان پیش زمینه گفتمان های خود در عرصه داخلی و خارجی مطرح کرد.

خصیصه بارز احزاب در این دور آن است که پایگاه اجتماعی مردمی نداشته اند و به صورت خودجوش از دل مردم و برای درد مردم به وجود نیامدند، بنابراین نمی توانستند کارایی لازم را داشته باشند. چنان چه در این دوره بافاصله گرفتن از زمان جنگ، شرایطی به وجود آمد که تا حدودی فضای باز سیاسی برای شکل گیری احزاب را فراهم کرد به گونه ای که احزاب شناسنامه دار شکل گرفتند. باید اشاره کرد که در دوران سازندگی به سبب فاصله گرفتن از دوران جنگ ما با تکرر عددی احزاب و قاعده مند ساختن آن ها نسبت به قبل هستیم؛ ولی کاربست مدیریتی هاشمی رفسنجانی مانع رادیکال شدن تشکلات حزبی برای پیگیری اهدافشان گردید. از جمله احزاب این دوره می توان به موارد ذیل اشاره کرد: از جناح چپ اصلاح طلب، احزابی با عنوان انجمن اسلامی معلمان و مهندسان، مجمع زنان، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و... ظهور کردند. از جناح راست اصول گرا، جمعیت مؤتلفه و جامعه زینب و... سازمان یافتند (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۲).

فضای تقریباً بسته ای که بر جامعه در این دوره حاکم بود، منجر گردید که هر گونه انتقادی نسبت به نخبگان سیاسی سرکوب و عملکرد دولت به نوعی به چالش کشیده شود؛ بنابراین شکافی بین قشر روشنفکر و دانشگاهی با دولت به وجود آمد درحالی که در تمامی کشورهای توسعه یافته، دانشگاهیان به عنوان نظریه پرداز در زمینه توسعه به شمار می آیند و از آنان به عنوان عاملی که تزریق کننده مؤلفه های توسعه سیاسی به دولت است، یاد می شود. می توان گفت رابطه متقابل و قوام بخش بین این دو (روشنفکر و سیاسیون) حاکم است. چنانچه در ایران بالاخص در این دوره عملاً چنین رابطه ای بی معناست و با بی مهری نسبت به قشر دانشگاهی همراه بوده است (فلاح رحمت آبادی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۰). پیامد این افراط و تفریط عدم تساهل و تسامح سیاسی است.

به گونه‌ای که نخبگان سیاسی نمی‌توانند بر سر مفاهیم مشترکی به‌ویژه در عرصه توسعه سیاسی که یکی از شاخص‌های اصلی آن احزاب و جامعه مدنی است به اجماع برسند (فلاح رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۰). به‌طور کلی بر اساس تحلیل گیدنز، به نظر می‌رسد ایستار کارگزار در این دوره در راستای توسعه اقتصادی قرار داشته است که غفلت کارگزار و عدم درک وی از توسعه سیاسی را نشان می‌دهد؛ در این دوران از آنجا که جنگ بر کشور تحمیل شده بود، سازمان حزبی متناسب با کارویژه‌های اصیلش شکل نگرفت. دلیل این امر را شاید بتوان به شاخصه‌های چون بی‌اعتمادی و سوءظن در فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی جست‌وجو کرد. درنهایت در راستای تحلیل نظریه ساختار/ کارگزار باید اشاره کرد در این دوره هم ساختار و هم کارگزار در روند ناکارایی احزاب سیاسی مؤثر بوده‌اند.

دوره اصلاحات و گفتمان توسعه سیاسی خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

دیگر دورانی که تحولات و تغییرات آن نقش مهمی در روند سازمان‌دهی احزاب در جمهوری اسلامی ایران داشت، دوران هفتم و هشتم ریاست جمهوری در دوران سید محمد خاتمی است. انتخاب سید محمد خاتمی به‌عنوان ریاست جمهوری ایران را برخی از تحلیل‌گران حوزه مسائل داخلی ایران به‌عنوان فضای جدید در نظام سیاسی ایران تلقی کردند؛ چراکه شاهد اولویت یافتن توسعه سیاسی، صلح‌گرایی، اعتمادسازی و گفتگو به‌عنوان محورهای کلیدی گفتمان حاکم در این دوره به‌منصه ظهور رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۵۰-۴۴۹). در این دوره تشکیلات حزبی به سبب حاکمیت فضای منش توسعه سیاسی بر دولت وقت، زمینه‌هایی برای تقویت یافتند؛ برای مثال می‌توان به حزب مشارکت، اعتماد ملی، حزب اسلامی کار و ... اشاره کرد؛ ولی همان‌گونه که در ادامه متن آمده است در عرصه توسعه سیاسی، دستاوردهای مهمی خصوصاً در زمینه تقویت و توسعه بنیان تشکیلات حزبی در ایران رخ نداده است. حال به ضعف‌های ساختاری / کارگزاری که در این دوره نمایان شده اشاره می‌شود. ابتدا ضعف‌های کارگزاری عبارت‌اند از: باید به مسئله بسیار مهم عدم توانایی نخبگان سیاسی ایران در بومی‌سازی گزاره‌های تألیفی خود برای امر توسعه اشاره کرد. این مشکل در ارتباط با کل دوران تاریخی ایران است؛ اما نمود واقعی آن در دوران اصلاحات که هم‌زمان با طرز تلقی توسعه‌یافتگی و ظهور عصر مدرنیته^۱ و

1 Modernity

پسامدرنیته^۱ است، معنای دیگری می‌یابد. رئیس‌جمهور به ارائه مفاهیمی همچون آزادی، گفتگو، تساهل و تسامح سیاسی در داخل و خارج، بسترهای مناسب برای تحقق این مهم را نهاده‌ینه نکرد؛ یعنی شفاف‌سازی مبنی بر تطابق و سازواری این مفاهیم با آموزه‌های فرهنگی ایدئولوژی اسلامی در جامعه صورت نداد و عموم مردم جامعه، ساختار و نهادهای متولی جمهوری اسلامی ایران، همه این مفاهیم را مفاهیمی وارداتی و فاقد عنصری تعیین‌کننده در نیازهای بومی جامعه در نظر گرفتند؛ بنابراین عدم تطابق و هماهنگی میان ایده‌های مترقی توسعه‌بخش با ساختارهای یک جامعه، گسل و شکاف بسیار بزرگی را به وجود آورد.

دیگر مشکل اساسی که می‌تواند در این دوره به ناکامی حزب و سازوکارهای حزبی منتهی شود را در مقوله شخصی و اثرگذار بودن فرد صاحب‌نفوذ در نظر گرفت. در این دوره نیز هرچند رئیس‌جمهور وقت از مشاوران قوی و تخصصی استفاده می‌کرد، اما کماکان در اذهان عمومی جامعه جبهه دوم خرداد را به نام شخص سید محمد خاتمی می‌شناختند. این سازوکار باعث گردید که رفته‌رفته میان جناح پیروز اختلاف‌نظر و اختلاف سلیقه هم پیش‌آید و برخی از جریان‌های افراطی شعار عبور از خاتمی را در فضای سیاسی - اجتماعی جامعه مطرح کنند (خواجه سروی، ۱۳۸۴: ۱۴۵ - ۱۵۱)؛ بنابراین عدم درک موقعیت یک جامعه در حال گذار توسط کارگزاران، مانعی در جهت توسعه سیاسی خواهد بود. در این دوره ما با روند روبه‌رشد قارچ‌گونه احزاب سیاسی مواجه هستیم. در برهه‌ای از این دوره فضای باز سیاسی به وجود آمد. احزاب قبلی و جدید شروع به فعالیت کردند؛ اما مشکل، فضای متشنج و ناآرام سیاسی بود که بین اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان حاکم شد. در واقع نوعی کنش و واکنش بین واقع‌گرائی^۲ و آرمان‌گرائی^۳ در جامعه به پا شد. این عامل باعث گردید تا احزاب ایجادشده اساساً متناسب با اختلافات و منازعات بین دو طیف ریشه‌بدواند و رشد کاذبی داشته باشند (فلاح رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰). طبیعتاً چنین جو متشنجی که سرشار از اختلاف است، نمی‌تواند گامی در جهت توسعه سیاسی قلمداد شود؛ زیرا از شاکله‌های اساسی توسعه سیاسی اجماع‌نخبگان بر سر مفاهیم مشترک است که در این دوران نه تنها شکل نگرفت؛ بلکه در اثر حوادث مهم اجتماعی، سیاسی داخلی چون (قتل‌های

1 postmodernity

2Realism

3idealism

زنجیره‌ای، اعتراضات دانشجویی، تحصن نمایندگان مجلس ششم، استیضاح عبدالله نوری و مهاجرانی و تجمع اعتراض آمیز دانشگاهیان، وقوع حادثه کوی دانشگاه تهران، شورش‌ها و ناآرامی‌های در شهرهای مختلف کشور، ترور سعید حجاریان، ارائه لوایح دوقلو در مجلس، قانون مطبوعات، تحصن و استعفای برخی نمایندگان مجلس ششم و...) و خارجی (مطرح کردن گفت‌وگوی تمدن‌ها، سیاست تنش‌زدایی، ارتباط گسترده با کشورهای غربی، محور شرارت نامیدن ایران توسط مقامات آمریکایی، مسئله انرژی هسته و...) فضای دوقطبی در جامعه ایجاد کرد که بر حوزه‌های مختلف از جمله ناکارآمدی و شکست سازوکارهای حزبی در جامعه مؤثر واقع شد. مشکل اصلی در این دوره عدم تعامل و برقراری همکاری میان ساختار/کارگزار می‌باشد که پیامدهای برآمده از آن نه تنها دامن‌گیر ناپایداری احزاب سیاسی در این دوره بلکه به سایر حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تسری یافت که منجر به گسترش فضای بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی در سپهر عمومی جامعه شد.

دوران عدالت‌محور احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

انتخاب محمود احمدی‌نژاد در انتخابات نهم را بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان رفتار شک‌برانگیز مردم ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری یاد کرده‌اند. چراکه پس از روی کار آمدن گفتمان شبه سرمایه‌داری توسعه اقتصادی و سیاسی، این بار هر دو گفتمان نتوانستند از سوی مردم رأی اعتمادی کسب کنند (محمودی رجا، ۱۳۲: ۱۴۰۰). در مقابل اما بسیاری از تحلیل‌گران که گفتمان‌های توسعه‌خواهی (اقتصادی سیاسی کارگزاران - اصلاحات) را روندی مثبت در جریان‌سازی و پویایی احزاب در ایران قلمداد می‌کنند براین عقیده‌اند که با انتخاب احمدی‌نژاد به‌عنوان ریاست‌جمهور، گفتمان یا به تعبیری فرهنگ سیاسی حاکم بر دولت، نوعی بازگشت به عقب را تجربه کرده؛ زیرا گفتمان این دولت بیش‌ازپیش بر آرمان‌گرایی انقلابی و بازگشت به آرمان‌های انقلاب و امام سر داده می‌شد؛ بنابراین به‌عنوان نقطه انفصال از گفتمان دو دور قبل قلمداد می‌شود (فلاح رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۹۰-۶۰). در این میان توسعه سیاسی به طور اعم و تشکیلات حزبی به طور اخص هم به‌مانند دوره‌های قبل نه به معنای غربی آن یا حداقل عرفی آن (مورد پذیرش سایر جوامع) صورت نپذیرفته بل روند ناپایداری خود را همچنان ادامه داد. در این دوره فرهنگ سیاسی

غالب با محوریت عدالت محوری امکان ظهور یافت. حال به برخی مشکلات فرهنگ سیاسی این دوره اشاره می شود:

لازمه ظهور احزاب به عنوان پدیده‌ای مدرن، پذیرش و به رسمیت شناختن اعتقادات متکثر در قالب گروه‌ها و احزاب متعدد است که در تعامل با یکدیگر امور جامعه خود را سامان می دهند. می توان گفت احزاب در ایران نقش کاسب کارانه دارند، به منوالی که فقط در هنگام انتخابات عده‌ای گرد نماینده معرفی شده حزب، جمع می شوند و در جهت سوق دادن افکار عمومی فعالیت می کنند؛ پس نوعی منفعت سیاسی در کار است. «در دوره احمدی نژاد چون فرهنگ خاص در تقابل با نظم ۱۶ ساله قبلی بر ساختار دولت حاکم بوده، هرگونه مخالفت یا مقاومت با عملکردهای دولت به دیده توطئه و کینه شخصی نگریسته می شد. به این ترتیب بی اعتمادی و عدم امنیت سیاسی در جامعه به فضایی غالب تبدیل شده بود که می تواند عامل اصلی برای بدبینی به نظام و ساختار سیاسی باشد» (فلاح رحمت آبادی، ۱۳۹۰: ۹۰-۶۰). دوم؛ وقتی در این دوره دولت احساس می کند در زمینه پیشبرد توسعه کشور تنها تصمیم گیرنده است نوعی فردگرایی حاکم می شود که اجازه ایجاد رقابت سیاسی را نمی دهد.

درمجموع باید گفت که احمدی نژاد در گفتمان سیاست اعلامی و اعمالی خود هرچند احیای عدالت اجتماعی و بازگشت به ریل انقلاب را مطرح کرد، اما اتخاذ برخی رویه‌های پوپولیستی و تقلیل گرایی در حوزه عدالت چون بهره‌مندی یکسان آحاد مردم از درآمد حاصل از نفت، مسئله تحریم و... علاوه بر تقویت ماهیت رانتیری دولت، زمینه تضعیف بسترهای مشارکت، نظارت همه شهروندان و حلقه‌های میانی جامعه را ایجاد کرد (عطارزاده، ۱۴۰۲: ۱۴-۱۵). بدین صورت که با افزایش وابستگی اقشار ضعیف و متوسط جامعه به دولت و کاهش نیاز به پاسخگویی دولت در برابر مردم، حضور و فعالیت سازوکارهای مشارکتی و سازمان تحزب با موانع و آسیب‌های جدی مواجه شد. (عطارزاده، ۱۴۰۲: ۱۶).

بر اساس تحلیل ساختار/ کارگزار، عامل مهم ناکارآمدی احزاب سیاسی در این دوره، غالب بودن تفکر ساختارشکنانه که نقطه مقابل واقع گرایی قلمداد می شود، می باشد. این مسئله نوعی بی توجهی به ساماندهی برخی مسائل مربوط به توسعه سیاسی واقع نگر مانند تشکیلات حزبی را بیان می دارد و

در عرصه عمل سیاسی که مبتنی بر نگرش رئالیستی^۱ است، نمی‌تواند کارایی داشته باشد این مهم در شناخت و درک کارگزار نسبت به امور پیرامون خود چه در حوزه داخل و چه در حوزه خارجی آسیب‌زننده است. نتیجتاً، هم ساختار و هم کارگزار در این دوره هر دو عملکردی مشابه داشته‌اند. نتیجه به‌دست آمده گویای آن است که در کل روند تاریخی بعد از انقلاب اسلامی تمامی عوامل اجتماعی من جمله ساختار، کارگزار و نهادهای متولی امر در ناکارآمدی پایه‌های احزاب سیاسی مؤثر واقع شدند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی، از حزب و سازوکارهای مشارکت سیاسی شهروندان در حوزه قدرت سیاسی و حکمرانی به‌عنوان پیش‌شرط توسعه سیاسی نام‌برده شده است. در حقیقت تنظیم نظم سیاسی و استمرار و تقویت رابطه متقابل حکومت و مردم در سایه سازوکارهای نظارتی است که این امر را احزاب سیاسی فراهم کرده‌اند. هرچند حزب به‌عنوان حلقه میانی و واسطه برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی در جوامع غربی مطرح شد، اما در جهان‌بینی و شیوه حکمرانی اسلامی نیز براین امر در حوزه مهار قدرت، تحقق‌بخش نظارت و کنترل سیاسی - اجتماعی شهروندان در قالب امر به معروف و نهی از منکر سیاسی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. شکل‌گیری و تثبیت سازوکارهای حکمرانی مردم‌سالاری دینی بعد از انقلاب اسلامی، نهادینه‌شدن سازوکارهای حزبی را برای کشور ضروری کرده است. در این چارچوب است که هم بستر برای گردش نخبگان و چرخش قدرت فراهم می‌شود و هم زمینه ثبات سیاسی، رقابت سیاسی، مشارکت سیاسی نهادمند و قانون‌مدار و به‌طور کلی حکمرانی مسئول، پاسخگو، شفاف و... میسر می‌شود. به‌رغم اینکه امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر تأثیرگذار این انقلاب و نیز سایر رهبران فکری و ایدئولوژیک انقلاب بر تحقق ابعاد مردمی انقلاب تأکید داشته‌اند، اما تاکنون ساختار تحزب در بدنه رقابت‌های سیاسی و کارزار انتخاباتی نهادینه نشده است. همین امر زمینه‌ساز برخی چالش‌های ساختاری در امر حکمرانی شده است. در مورد اینکه چرا سازوکارهای حزبی در جامعه نهادینه

¹realistic

نشد و نتوانست فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی را در بدنه جامعه ایجاد کند و ارتقا دهد، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است.

این موارد باعث گردید که در انتخابات مختلف (از دوره پنجم تا دهم) ریاست‌جمهوری به‌رغم مطرح بودن سازوکارهای گفت‌وگویی و جناح‌بندی‌های سیاسی، افرادی منتخب گردند؛ اما پس از هشت سال ریاست‌جمهوری، سیاست‌ها، اهداف دولت خود نیز متوقف شوند و حتی افراد منتخب به جای پاسخگویی در قبال عملکرد دوران خود، حتی چهره اپوزسیون و ژست طلبکاری به خود بگیرند و به انتقاد از ساختار حاکم بپردازند.

با کاربست الگوی نظری ساختاریابی گیدنز، در عدم موفقیت و نهادمندی سازوکارهای حزبی در فضای سیاسی اجتماعی ایران زمینه‌ها و بسترهای ساختاری و کارگزار محور نقش دارند. یکی از مواردی که در این راستا نقشی مهم و کلیدی دارد، وابستگی حزب و برنامه‌های آن‌ها حول و حوش اندیشه‌های فلان فرد است. با کنار رفتن وی از قدرت سیاسی رسمی، این حزب نیز به حاشیه رانده می‌شود و به تدریج در گفت‌وگوها و جریان‌های دیگر استحاله شده است.

درمجموع باید گفت که نخبگان به‌عنوان موتور محرک در جهت شکل‌گیری و سوق‌دادن تحولات اجتماعی، سیاسی و ... در ناپایداری و عدم پویایی احزاب سیاسی پس از انقلاب اسلامی نقش مؤثرتری ایفا کردند. به طریقی که آنان نتوانستند کارویژه حزبی را به‌درستی درک کنند؛ زیرا احزاب ما همه به شیوه‌ای متمرکز اداره می‌شوند و دارای شعبه‌هایی جهت انتقال پیام‌های خود، عضوگیری و کارویژه‌های مهم‌تر دیگری که در فوق ذکر گردید، نبودند. آن‌ها نتوانستند سیستم عضوگیری موفق داشته باشند و در جهت آموزش و پرورش سیاسی اعضای جامعه به‌عنوان شهروند گام بردارند. از زاویه‌ای دیگر وابسته بودن احزاب به سردمداران قدرت و نبود پایه‌های اجتماعی، یکی از علل اساسی ناکارآمدی احزاب سیاسی جامعه ماست. این موارد در دولت‌های مابعد از انقلاب تاکنون استمرار داشته است. هر کدام از دولت‌ها بر اساس فهم و نگرش خود از مسائل حساس جامعه، شعار و گفت‌وگویی برای به‌دست آوردن قدرت مطرح کردند و خود را واضع نظم جدید در سطح جامعه می‌دانستند؛ اما با پایان یافتن دوران حکمرانی و قدرت‌مداری خود، نه تنها به عملکرد و اقدامات خود پاسخگو نیستند؛ بلکه در قالب فردی طلبکار و مدعی، در فضای عمومی جامعه مسائل تنش‌آمیز را مطرح می‌کنند. این رفتار ناشی از فقدان سازوکارهای حزبی و

عدم نهاده شدن آن در روند جامعه‌پذیری، هنجار آفرینی و پذیرش قواعد بازی توسط جریان‌های مختلف سیاسی است؛ از این رو ضروری است این مقوله با نگاهی جدی مورد توجه قرار گیرد.

راهکارهایی جهت ترمیم و تقویت سازمان حزبی در ایران

باتوجه به بافت و ساخت سیاسی - اجتماعی ایران و فرهنگ سیاسی حاکم، حزب و سازوکارهای آن می‌توانند نقش مهم در پیشبرد امور کشور در حوزه سیاسی - اجتماعی داشته باشند. در این میان نخبگان و افراد صاحب نفوذ و گروه‌های مرجع سیاسی - اجتماعی و علمی می‌تواند در یک تعامل پویا و احترام‌آمیز هم متناسب با بافت و ساخت جامعه، سازوکارهای قدرت را توسعه دهند و هم برای حل و فصل چالش‌های مختلف قدرت سیاسی به یک سازمان پویا و اثرگذار دامن بزنند این امر نیازمند تعامل ساختار و کارگزار در حوزه‌های مختلف است. در زیر به برخی از مهم‌ترین راهکارهای شکل‌گیری، ارتقا و تقویت سازوکارهای حزبی در جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود:

۱. درون‌زا کردن مفاهیم و مسائل چالش‌برانگیز سیاسی برای پویا کردن محیط سیاسی اجتماعی کشور و حل دوگانگی‌ها و تناقض‌های گفتاری و عملیاتی سیاست‌های ابرازی و ابزاری
 ۲. بسترسازی ارتباط و تعامل بخش‌های مختلف جامعه و شهروندان برای حضور فعال و آگاهانه در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی و پیشبرد مطالبات و ترجیحات خود در چارچوب هنجارها و قوانین جامعه
 ۳. تغییر در سازوکارهای حزبی و تغییر از شخص‌گرایی به برنامه‌محوری، پاسخگویی در قبال عملکرد و شفافیت در اهداف و برنامه‌های اعمالی و اعلامی خود در جاهای مختلف از جمله به دست گرفتن قدرت در انتخابات مختلف
- تقویت سازوکارهای سرمایه اجتماعی (سازوکارهای اعتمادآمیز دولت به مردم، مردم به دولت و دولت به مردم) و تعریف ائتلاف احزاب حول و حوش مفاهیم مشترک از مسائل توسعه، پیشرفت و منافع ملی از طریق تنش‌زدایی داخلی.

فهرست منابع

- Attarzadeh, Mojtaba (2023) «The influence of subordinate political culture on the process of democracy in the 9th and 10th governments» Contemporary Iranian Government Research Quarterly, No. 4: 11-38. [In Persian].
 - Gharayag Zandi, Daoud (2012) "Replacing the discourse of national unity instead of national security; Parties and ethnocentrism", Strategy Quarterly, No. 3... [In Persian].
 - Hay, Colin (2012), structure/agent, in Marsh and Stocker, theory method in political science, translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, Tehran: Research Center for Strategic Studies. [In Persian].
 - Hghighat, Sadegh (2009), Structure/Agent Problem in Social Sciences, Humanities Methodology Quarterly (pp. 147-166), Year 16, No. 65 and 64. [In Persian].
 - Jahangiri, Saeed, Mohammadi, Fazel (2021), Explain the Role of Political Stability in the Theory of Good Governance» Contemporary Iranian Government Research Quarterly, No. 4: 124-142. [In Persian].
 - Keshavarz, Abbas (2008), An Introduction to Political Culture in Iran, Naqd Va Nazar Quarterly (pp. 1-24), No. 7... [In Persian].
 - Khajesaravi, Gholamreza, Khorramshad, Mohammad Baqer, Rahbar, Abbas Ali, Mahmoudiraja, Seyyedzkarya (2001) «Study and Analysis of Factors Affecting Citizens 'Political Participation; Case Study: Turkmen Election Participation in Twelfth Presidential Election» Policy Strategic Research Quarterly, No. 37. [In Persian].
 - Khajesaravi, Gholamreza, Mahmoudiraja, Seyyedzkarya (1398) «The Analysis of the Effective Factors in the Baloch ethnicity 's Vote on the Moderation discourse in the 12th Presidential Election» Iranian Political Sociology Quarterly, No. 3... [In Persian].
 - Mahmoudiraja, seyedzakarya, Esmaeili, Rafeialdein, (2024) Social capital and ways to strengthen it in the media and political environment of the Islamic Republic of Iran: emphasizing the cognitive approach, Islamic Revolution Research Quarterly, Vol. 4, pp. 137-97. [In Persian].
 - Masoudnia, Hossein and Najafi, Daoud (2018), Political Parties and Development in Iran, Challenges and Solutions, Journal of Political Sciences, Political Research, Vol. 2, pp. 107-126. [In Persian].
 - Mortazavian, Seyed Ali, Parizad, Reza (2015) "Political participation and institutionalization of populist parties in third world countries", International Relations Studies Quarterly, No. 36, pp. 164-139. [In Persian].
 - Naqibzadeh, Ahmed (1989), Political Parties and Democratic System, Political-Economic Information Journal, No. 31, pp. 28-25. [In Persian].
 - Salar, Mohammad (2004), Pathology of Elites, Revolutionary Thought Research Quarterly (pp. 19-32), No. 12 and 11. [In Persian].
 - Akbari, Kamal (2008), The role of parties in politics after the Islamic Revolution of Iran, Political Science Quarterly (pp. 53-78), year 12, number 47. [In Persian].
 - Ashraf, Ahmad (2014), The Conspiracy Illusion, Conversation Magazine (p. 7-47), No. 8... [In Persian].
- Books
- Ayubi, Hojatullah (2001), Finding and Reliability of Political Parties in the West, Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
 - Ayubi, Hojatullah (2001), How the Majority Rules, Tehran: Soroush Publications. [In Persian].

- Azghandi, Alireza (1998), Political elites in Iran between the two revolutions, Tehran: Qoms Publishing. [In Persian].
- Azimi, Fakhreddin (1994), Crisis of Democracy in Iran 1320-1332, translated by Abdolreza Hoshang Mahdavi and Bijan Nowzari, Tehran: Alborz. [In Persian].
- Bawn, Kathleen and assistant(2012), A Theory Of Political Parties: Groups Policy Demands and Nomination in American Politics.
- Dahl R. (1971). Oligarchy. New haven, Yale University Press
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal. (2010), Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran:samt Position. [In Persian].
- Hofmeister, Wilhelm and Grabow, Karsten(2010), Political parties and organization democratic societies, Singapore – konard stifung.
- Huntington, Samuel. (1992) Political order in societies undergoing transformation. Translated by Mohsen Salasi, Tehran, Elm Publications. [In Persian].
- Kozer, Louis (1995), the lives and thoughts of great sociologists, translated by Mohsen salasi, Tehran: Elmi Publications. [In Persian].
- Naqibzadeh, Ahmad (1999), parties structural obstacles and risks of formation: in the Council of Researchers of Islamic Revolution History Foundation, political parties in Iran, Mehr Qom Printing House. [In Persian]
- Nassmacher, Karl Heinz(2009), Political Parties, Punding and Democracy Contributor's: Julei Balligton Peter Ferdinand, Karen Fogg, Patrick Molusi, Yaw Saffu Maja Tjernstrom, Marcin Walecki, Daniel Zavatto, Funding of Paitical Parties and election campaign's...
- Nowzari, Hossein Ali. (2002). Political parties and party systems. Tehran, published widely. [In Persian].
- Roshe, Gay (1988), Social Changes, translated by Mansour and Touqi, Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
- Yusufiyeh, Valiullah (1973), Political Parties, Tehran: Nasser Khosro. [In Persian].
- Alam, Mohammad Reza (2007), The Contribution of Iran's Political Culture to the Instability of Parties, Tehran: Nik Farjam. [In Persian]
- Almond, Gabriel and Powell, Bingham (1381), Comparative Policies, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Higher Institute of Management and Planning Publishing. [In Persian]
- Asef, Reza (2008), Iran's political parties and groups, Tehran: Publications of the Faculty and Research Institute of Information and Security. [In Persian]
- Lapalombara, Joseph and Myeon Weiner (editors), political parties and political development, New Jersey, Princeton University Press
- Mahmoudiraja, Seyyedzkaryia, (2021), Studying the political behavior of ethnic-religious groups in the presidential elections of Iran: A case study of the Baluch and Turkmen peoples, political science doctoral thesis of Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Zabet poor, Gholamreza (2001), "The causes of instability of political parties in contemporary Iran (20-32 and after the revolution)" master's thesis, Bagheral Uloom University. [In Persian].

